



اعتبارسنجی سندی و ارزیابی محتوایی زیارت وارث

امام حسین (ع) در کتب زیارات و ادعیه شیعه

سید مهدی رحمتی^{۱*}، مهدی محمدی نژاد^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.30460.1132](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.30460.1132)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷



چکیده

ارتباط با هم‌نوعان سرشتی خداداد است که با در انداختن سازوکار زیارت اولیای الهی در آیین خاتم‌جهت‌دهی شده است. کنشی معنادار که با ارج نهادن به عواطف بشری و تقویت بنیان‌های معرفتی، رهاورد اعتلای شناخت و ارمغان سلامت روان را به همراه دارد. در این میان، فراوانی چشمگیر زیارت‌نامه‌های امام حسین (ع)، نشان از اهمیت و نقش تأثیرگذار زیارت سید الشهداء دارد و ضرورت دستیابی به زیارتی جامع و استوار را آشکار می‌کند. مسئله‌ای که پژوهش کتابخانه‌ای پیش‌رو را بر آن داشت تا بر اساس توصیف و تحلیل گزاره‌های روایی گزارش‌کننده‌ی زیارت وارث و با عنایت به اهمیت و نقش-آفرینی شیوه‌های مبتنی بر شناخت سند و متن در سنجش اعتبار احادیث اسلامی، تلاش خود را بر دو وجه واکاوی سندی و محتوایی متمرکز نماید. پژوهش پیش‌رو پس از مصدریابی زیارت وارث - به‌عنوان بخش شهرت یافته از زیارت مطلقه‌ی امام حسین (ع) در کتب زیارات و ادعیه شیعی - دریافت که گرچه هرکدام از اسناد گزارش‌کننده‌ی این روایت به سبب راوی و یا روایان نقل‌کننده آن دچار ضعف سندی هستند؛ اما فراوانی یادکرد ساختار شناخته‌شده‌ی این زیارت با درصد مشابهت قابل اعتنا در منابع روایی، نشان از صدور اجمالی زیارت وارث دارد. هم‌چنین واکاوی محتوایی زیارت مزبور و پیوند ناگسستگی آن با معارف قرآنی و روایات اسلامی قرینه‌ای دیگر در جبران ضعف یاد شده به شمار می‌رود و زمینه‌ساز بهره‌مندی بیش از پیش زائران از محتوای سازنده‌ی آن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: زیارت وارث، سند، اعتبارسنجی، فقه الحدیث، امام حسین (ع)



۱- استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات، دانشگاه گنبدکاووس، گلستان، ایران (نویسنده مسئول) * rahmati@gonbad.ac.ir

۲- استادیار زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گلستان، ایران M.mohammadinezhad@gu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

رشد و هویت‌بخشی فرهنگی به افراد جامعه، متناسب با مبانی و زمینه‌های فکری جوامع انسانی طرح‌ریزی شده و تأثیری شگرف بر حیات فردی، پویایی و رشد اجتماعی دارد. در این میان بهره‌گیری از ساز و کار زیارت و مستندسازی آن به زیارت‌های برآمده از خاندان عصمت و طهارت موضوعی حائز اهمیت است. زیارت و زیارتگاه‌های اولیای دین مصداق بارز کانون‌های انتقال معارف الهی بوده (نور، ۳۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۵۳۲/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۱۲/۹) و شکوفایی فرهنگی و اعتلای معرفتی اجتماع اسلامی پیوندی ناگسستنی با آن دارد. از این‌رو بر سیاست‌گذاران و تلاش‌گران عرصه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی است که با شناخت ظرفیت‌های نهاد زیارت و برنامه‌ریزی متناسب با آن، زمینه‌ساز بهره‌مندی حداکثری از این سازوکارِ وحی‌بنیان و فطرت‌پذیر باشد. تناسب و ارتباط زیارتگاه‌های مذهبی با ظرفیت و میزان تأثیرگذاری فرهنگی آن‌ها در طول تاریخ به‌حدی است که به دیدگاه برخی صاحب‌نظران، تأکید حداکثری بر زیارت امام حسین(ع) و ترجیح زیارت ایشان در برخی روایات اهل بیت(ع) بر زیارت خانه‌ی خدا، بر اساس همین اصل توجیه‌پذیر است؛ زیرا در شرایطی که ظرفیت فرهنگی زیارت امام حسین(ع) برای آشنا کردن امت اسلامی و بلکه نوع انسان با حقایق قرآن و اسلام ناب بیش از ظرفیت خانه‌ی خداست، طبعاً زیارت امام حسین(ع) فضیلت بیشتری از زیارت خانه‌ی خدا دارد. به بیان دیگر، مقصود این دست از روایات، کاستن از اهمیت حج به مفهوم حقیقی آن نیست؛ بلکه از آن‌جا که ارزش و اهمیت حج برای همه مسلمانان، روشن و بدیهی است، پیشوایان اسلام، برای توجّه دادن مسلمانان به ارزش زیارت و سازندگی فردی و اجتماعی آن، حج را معیار ارزیابی آن قرار داده و به کسانی که در کنار انجام دادن وظایف و جویی خود به انجام آن بپردازند، بشارت داده‌اند که خداوند، از فضل خود، پاداشی که قابل مقایسه با پاداش انجام دادن وظایف و جویی نیست، به آنان عنایت می‌فرماید (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱۰۴/۹-۱۱۱).

از این‌رو نوشتار حاضر بر آن است که در اولین گام خود به مفهوم‌شناسی کلیدواژه‌ی زیارت و کاربست آن در متون اسلامی بپردازد و افزون بر آشکار نمودن خاستگاه فطری این نهاد، با یادکرد گزاره‌هایی از آیات و روایات اسلامی، حجّیت و اعتبار شرعی آن را نمایان سازد. آن‌گاه پس از یادکرد اجمالی آثار فردی و اجتماعی زیارت، با تمرکز بر «زیارت وارث»، نخست به ارزیابی محتوایی این میراث ماندگار بپردازد و در فرجام با مصدريابی روایی این زیارت، خاستگاه سندی آن را گزارش نماید.



۲. پیشینه تحقیق

در نگاه کلی پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی زیارت را می‌توان در سه دسته جای داد. دسته‌ی نخست تحقیقاتی است که به بیان احکام فقهی و آداب شرعی انجام مناسک زیارت پرداخته‌اند. پاره‌ای دیگر با رویکردی نقلی و براساس واکاوی آیات و روایات اسلامی، پس از یادکرد فلسفه و اسرار نهفته در بنیاد زیارت، کارکردهای فردی و اجتماعی آن را روشن نموده‌اند. اما دسته‌ی سوم را می‌توان تلاش‌هایی دانست که از نگاهی بیرونی تمامیت سندی و متنی زیارت و زیارت‌نامه‌ای خاص را پی‌جویی نموده‌اند. بنابراین در میان آثار یاد شده آنچه بیش از همه به پژوهش‌های پیش‌رو نزدیک است، صورت سوم تحقیق است. کوشش‌هایی همچون «پژوهشی در زیارت‌نامه فاطمه معصومه (ع)» (مقیسه، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۸)، «واکاوی جایگاه و اعتبار زیارت‌نامه امام رضا (ع)» (مناقب و رضوی‌زادگان، ۱۴۰۱: ۸۵-۱۰۸)، «اعتبارسنجی سند زیارت آل یاسین» (صالح‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۰-۴۱) که گاه حجیت و اعتبار سندی زیارت‌نامه‌ای خاص را کاویده و گاه مانند «جایگاه توحید در زیارت‌نامه‌های اهل بیت علیهم السلام» (کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۳۰) و «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار» (پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷-۵۴)، «بازخوانی زیارت امین الله بر اساس الگوی فیزیولوژیک روح سالم انسان در طب روحانی» (صانعی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۰-۴۲) با مفروض انگاشتن اصالت روایی زیارت‌نامه‌ها، به ارزیابی محتوایی و برون‌دادهای شناختی و تربیتی آن پرداخته است. باری در میان جستجوهای سامان یافته در عرصه‌ی زیارت‌های مربوط به سید الشهدا (ع) - که ارتباطی تنگ‌انگ با تحقیق حاضر دارد - آنچه بیش از همه توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته زیارت عاشورا و زیارت اربعین است. به گونه‌ای که، پژوهش‌هایی همچون «دفاع از زیارت عاشورا» (آصفی، ۱۳۸۸: ۳۰-۴۷)، «تحقیقی درباره اربعین حسینی» (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۸۲) به اثبات کلی اعتبار و انتساب آن‌ها به امام معصوم (ع) پرداخته است. برخی مانند «بررسی پشتوانه‌های قرآنی زیارت اربعین با تاکید بر موضوع عهد» (معارف و فرشی نعیم، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۱۳)، «تأملی در اصالت عبارت جاهدیت‌الحسین در متن زیارت عاشورا» (مهدیان‌فر، ۱۴۰۰: ۸۳-۱۰۶) تنها فراز و یا مفهومی خاص از این زیارت‌نامه‌ها را کاویده و بعضی همانند «تبیینی از دلالت‌های تربیتی زیارت عاشورا» (موسوی، ۱۴۰۱: ۲۰۴-۲۱۹)، «تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن» (مریجی، ۱۴۰۱: ۸-۳۲) به بررسی آثار اعتقادی و اخلاقی این دو تراث ارزنده پرداخته‌اند.



این در حالی است پی‌جویی‌های محققان این اثر، حکایت از آن دارد که درباره‌ی اصالت‌سنجی سندی و ارزیابی محتوایی «زیارت وارث» هیچ تلاش پژوهشی مستقلی انجام نگرفته است. از این‌رو مقاله-ی پیش‌رو بر آن است که پس از یادکرد مفاهیم کلیدی و خاستگاه زیارت در منظومه‌ی تفکر اسلامی و ارزیابی محتوایی زیارت وارث، به اصالت‌سنجی سندی و روایی آن در کتب زیارات و ادعیه شیعه بپردازد.

۳. مفهوم‌شناخت زیارت و خاستگاه آن

«زیارت»، از ریشه «زور»، به معنای میل کردن به چیزی و روی گردانی از چیزی دیگر است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۶/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۰: ۳۳۵/۴). بنابراین، مفهوم واژه «زیارت»، با معنای واژه‌هایی مانند: رؤیت، مشاهده و ابصار، متفاوت است؛ زیرا در این واژه‌ها، تنها مفهوم دیدار منظور است؛ ولی در واژه «زیارت»، دیدار همراه با میل و محبت و انس و اکرام، مورد توجه قرار دارد. حرکتی که گاه وجه عبادی به خود می‌گیرد و برآورده گشتن برخی نیازهای مادی و معنوی زائر را به دنبال دارد (الازهری، ۲۰۰۲: ۲۹۸/۱۵؛ سُبکی، ۱۴۲۸: ۱۰۱). انسان، موجودی اجتماعی است که با هم‌نوع خود انس می‌گیرد و رابطه اجتماعی برقرار می‌کند. این نیاز فطری، پس از مرگ محبوب انسان نیز ادامه دارد. زیارت موهبتی است که در راستای عبادت به‌عنوان هدف آفرینش و بعثت انبیا به انسان عرضه شده (ذاریات، ۵۶) تا در پرتو آن مراحل ضعف و ناتوانی را بپیمایند و به کمال قرب نائل شوند. چراکه زیارت اولیای الهی آن زمان پذیرفته است که ابزاری برای تقرب به حق تعالی به حساب آید. زیارت اموات به‌عنوان باور مورد پذیرش همه‌ی مذاهب اسلامی دیدار با بدن‌های پوسیده و بی‌جان نیست؛ بلکه زیارت ارواحی است که در عالم برزخ، زندگی می‌کنند و از آن که دیدارشان کنیم، شاد می‌گردند و ارتباط با آنان، برای ما عبرت‌آموز و در زندگی مادی و معنوی ما مفید و مؤثر است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۸۶؛ پورامینی، ۱۳۹۵: ۲۹۱). در نگاه اسلامی، زیارت بزرگان دین و ائمه‌هدی(ع) رخدادی متمایز از دیگر انواع زیارت است (تهرانی، ۱۳۹۹: ۳۶؛ النعمانی، ۲۰۰۵: ۲۱۶). دیداری که به‌مثابه‌ی دینی بر عهده‌ی زیارت‌کننده قرار دارد (محمّدی ری-شهری، ۱۳۸۹: ۲۰۶/۸؛ المخزومی، ۱۴۲۸: ۸۲). این کنش معنادار افزون بر تکریم و بزرگداشت نیکان تجدید عهد و میثاق با ایشان در مسیر اعتلای کلمه‌ی توحید و اقتباس نور از هدایت و انوار تابناک ایشان است (عاملی، ۱۴۲۸: ۴۵۹؛ سبحانی، ۱۴۳۸: ۸۳). به سبب همین سازندگی فردی و اجتماعی در برخی از روایات، زیارت اهل بیت(ع)، هم‌سنگ زیارت خداوند متعال و یا زیارت پیامبر خدا (ص) شمرده شده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۲/۷۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۷/۲)، موضوعی که به‌صورت چشمگیری در زیارت امام حسین(ع) بدان اشاره شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۴-۱۵۰؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۸۲-۵۹۷/۲). بنابراین



شایسته‌ی است که زائر با شناخت از پیش غنی‌شده‌ی اهل بیت(ع)، همراه با کلمات و عبارات شایسته‌ی مقام ایشان، قدم در ساحت مرقد و اماکن مقدس گذارد. در این میان، زیارت‌های وارد شده از ائمه معصومین (ع) بهترین وسیله و شیوه‌ی دستیابی به این مهم به شمار می‌آید (شوشتری، ۱۴۳۳: ۳۴۰). چراکه مسئله‌ی معرفت شأن و منزلت زیارت‌شونده به‌عنوان شرط کمال زیارت در آموزه‌های دینی و روایات اهل بیت(ع) بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۰/۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۶، ۱۸۹، ۳۰۶). همان‌گونه که امام صادق(ع) به یکی از یاران خود فرمود: ای بشیر کسی که قبر حسین بن علی علیهم‌السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد، مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷/۹۸). از این رو شناخت امام حسین (ع) مقدمه-ای اساسی بر زیارت ایشان است. امری که به یاری تراث ارزشمند زیارت وارث، می‌تواند هر دو مطلوب معرفت و زیارت را حاصل نماید.

۴. ارزیابی محتوایی زیارت وارث

در این بخش از تحقیق به سبب رعایت اختصار نخست به بیان جایگاه و اهمیت تحلیل مضامین و سنجش مفاهیم روایات اسلامی می‌پردازیم. سپس با گزارشی اجمالی، به محتوای متون دربردارنده‌ی زیارت وارث اشاره می‌نماییم و با تکیه بر مفهوم کلیدی وارث، که نقش محوری در نام‌گذاری و شهرت این زیارت‌نامه دارد، به به ارزیابی میزان همبستگی آن با قرآن کریم و سنت قطعی می‌پردازیم.

۴-۱. ضرورت سنجش و تحلیل محتوای زیارات

یکی از مبانی مهم در ارزشیابی روایات، عرضه آن بر قرآن کریم و سنت قطعی است. چراکه میزان و کیفیت متن ادعایی با گزاره‌های ثابت شده و قطعی شریعت خاتم، خود گواهی بر اعتبار و منزلت آن است (صرامی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۸). موضوعی که در ادبیات کنونی پژوهش با عنوان «تناص» یا «بینامتنیت» دنبال شده و به‌عنوان شیوه‌ای شناخته شده در نسبت‌سنجی متون، میزان تأثیری‌گذاری و تأثیرپذیری و وامداری آنان نسبت به یکدیگر به کار می‌رود (رحمتی و حاجی اکبری، ۱۴۰۳: ۷۰). زیارت وارث در حقیقت، جزئی از زیارت مطلقه‌ی امام حسین(ع) در متون روایی است. زیارتی با فضیلت که گرچه خواندن آن محدود به زمان خاصی نمی‌باشد، اما خوانشش در ایام خاص؛ شب و روز عرفه، نیمه‌ی ماه رجب، شب عید فطر، روز عید قربان، و روز عاشورا سفارش شده است (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۶۲/۲ و ۷۰/۳؛ مکی، ۱۴۱۰: ۱۵۵؛ کفعمی، ۱۴۰۵: ۵۰۲). شایان ذکر است که بر اساس بررسی انجام شده، هیچ یک از روایات گزارش شده درباره‌ی این زیارت، نام وارث را بر آن ننهاده‌اند. چراکه این زیارت در حقیقت بخشی از



گزاره‌های روایی صادر شده در حوزه‌ی زیارت امام حسین (ع) است. بنابراین نام‌گذاری یاد شده در دوران اخیر بر اساس طلوعه و قطعه‌ی پربسامد «السلام علیک یا وارث...» در آن صورت پذیرفته است. امری که در فرهنگ اسلامی دارای پیشینه بوده و برخی از سوره‌های قرآن کریم با تکیه بر فراز و آیت نخستین آن نامیده شده‌اند (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۱).

۴/۲. امام حسین (ع)، وارث انبیا و اوصیا

در نقطه‌ی آغازین روایات در بردارنده‌ی زیارت وارث به‌عنوان بخش بیشتر شناخته‌شده‌ی زیارت مطلقه‌ی سید الشهدا (ع)، به مخاطب و زائر ایشان یادآور شده است که زیارت امام حسین (ع) تکلیفی بر عهده‌ی پیروان حضرت است. سپس به ثواب دنیوی و اخروی آن اشاره شده و در فرجام آداب پیش و پس از زیارت با محوریت طهارت، دعای سفر، ادعیه‌ی مقدماتی، روزه و نماز بیان شده است. آمرزش گناهان، تأثیر بر نامه‌ی اعمال، امید به شفاعت امام و تسبیح و تقدیس فرشتگان موکل بر زائر امام تا روز قیامت نیز در زمره‌ی مهم‌ترین آثار این زیارت یاد شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۰۸-۲۰۶ و ۲۲۳-۲۲۴؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۶۲/۲).

واژه‌ی «وارث» از ریشه‌ی «ارث» است. ارث همان دارایی و مالی است که از شخصی برجای مانده و در اختیار بازماندگان وی قرار می‌گیرد (الطریحی، ۱۹۹۲: ۲۶۸/۲؛ انیس، ۱۹۸۷: ۱/۱۰۲۴). معنایی که تنها در مایملک اقتصادی محدود نشده و در بیان قرآن کریم در مفهوم فراتر میراث نبوت تجلی یافته است. آن‌طور که حضرت زکریا (ع) دل‌مشغولی میراث پیامبری خود را داشت (المرسی، ۲۰۰۰: ۲۱۱/۱۰) و از خداوند متعال خواستار فرزندی شد که نبوت را عهده‌دار شود (مریم، ۵-۷) و خداوند یحیی (ع) را به او موهبت نمود و مقام نبوت را به وی اعطا کرد (مریم، ۱۲). نمود دیگر معنای فرامالی ارث و وارث، میراث‌بری سلیمان (ع) از حضرت داوود (ع) است (نمل، ۱۶). داوود نبی (ع)، نوزده پسر داشت که از میان آنان تنها سلیمان شایستگی جانشینی ملک پدر و پیامبری را دارا شد (ابن منظور، ۱۴۱۰: ۱۱۲/۱؛ الازهری، ۲۰۰۲: ۱۱۸/۱۵). از این رو اهل لغت بر این مسئله تأکید دارند که مفهوم وراثت تنها محدود به ثروت مادی نشده و انتقال صفات و ویژگی‌ها به وارث را نیز شامل می‌شود (الطریحی، ۱۹۹۲: ۲۶۸/۲). همان‌گونه که به تصریح قرآن کریم (فاطر، ۳۲) بندگان برگزیده خداوند، میراثی معنوی کتاب و میراث نبوت را که بسی فراتر از ثروت مادی فانی است، به ارث می‌برند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۵۶/۲؛ الاحسانی، ۱۹۹۹: ۱۷۲/۱؛ الآصفی، ۱۴۳۱: ۱۴۴/۴). این همان معنایی است که در کلیدواژه‌ی وارث در سرتاسر «زیارت وارث» انعکاس یافته و امام حسین (ع) را وارث پیامبران و نیکان پیش از خود معرفی



نموده است (النعمانی، ۲۰۰۵: ۲۱۷؛ کرکی، ۱۴۲۱: ۱۸۰). میراثی که در بخشش، فداکاری، شجاعت، پایداری، صبر، عزت نفس، طاغوت‌ستیزی و تسلیم در برابر باری تعالی از سوی امام حسین (ع) در میدان کربلا آشکار گشت و نمودی از ویژگی‌ها و میراث فرهنگی و اخلاقی بود که سالار شهیدان از پیامبران پیش از خود به ارث برد و در حماسه‌ی بی‌نظیر خویش به نمایش گذاشت (الاصفی، ۲۰۰۸: ۲۸۱؛ عبدالحمید، ۱۴۲۱: ۹۳/۱) و تفسیر عملی آیت ﴿وَرَبُّكَ أَنْ تَقُولَ عَلَيَّ الدِّينِ اسْتَغْفِرُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَلَهُمْ أَنْيَمَةً وَنَجَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص، ۵) گشت. سوی دیگر کاربرد واژه‌ی وارث، به کارگیری آن در قرآن کریم برای خداوند است. کاربرستی که ارتباطی تنگاتنگ با اسم «الباقی» پروردگار دارد (الفراهیدی، ۱۴۲۱: ۸۶۳/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۰: ۱۱۱/۱). چه تنها خداست که بعد از فنای خلق بر جای مانده و زمین و آنچه در آن است را به ارث می‌برد (مریم، ۴۰؛ حجر، ۲۳؛ انبیاء، ۸۹؛ قصص، ۵۸). خدایی که ابدیت تامه فقط از آن اوست و تمام امور به سوی او باز می‌گردد (آل عمران، ۱۰۹؛ حدید، ۵).

زیارت وارث در فرازهایی با هم‌آیی سلام و وارث خواندن امام حسین (ع)، به معنابخشی و شکل‌دهی منظومه‌ای نوین پرداخته است. منظومه‌ای به پشتوانه‌ی قرآن کریم که با ذکر نام پیامبران شناخته شده و پرائر قرآن کریم، پیوستگی و انسجام هرچه تمام نهضت حسینی (ع) با حرکت انبیا را آشکار می‌نماید. مفهومی که افزون بر یادآوری کلام وحی در ذهن و جان خوانندگان، روایت شناخته‌شده‌ی «حسین منی و انا من حسین» را یادآورد می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۲۵۰/۱)؛ به طوری که زائر با خواندن این زیارت‌نامه، افزون بر جهت‌دهی شناختی نسبت به واقعه‌ی کربلا و راهبری سید الشهداء، خود را همسو و راهرو در مسیر هدایت ایشان می‌داند. ترجیع‌بندی که گرچه در این زیارت با فرازهای «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ! السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ! السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ! السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ! السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ» تنها امام حسین (ع) را خطاب قرار داده اما در حقیقت، مشمول دیگر ائمه هدی (ع) نیز می‌شود. چه به فرموده‌ی ایشان: «تُحْنُ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ»؛ ما (اهل بیت) وارثان پیامبران هستیم (صفر، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۱/۱).

۵. اعتبارسنجی سندی زیارت وارث

دستیابی به روایات صحیح و قابل اعتماد ثقل اصغر به‌عنوان یکی از ارکان دستیابی به مراد شارع از دغدغه‌های نخستین دانشیان مسلمان است. امری که خاستگاه آن را باید در روایات اهل بیت (ع) دنبال نمود. آن‌طور که امام علی (ع) را می‌توان آغازگر اهتمام به اسناد دانست، چه ایشان در این باره می‌فرمایند: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ»؛ هرگاه حدیثی را



روایت می‌کنید، (در مقام نقل) آن را به کسی که برای شما بازگفته، نسبت دهید، در این صورت چنانچه راست گفته باشد (نفعش) برای شماست و چنانچه دروغ گفته باشد (ضررش) بر ضدّ اوست (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸۱/۲۷). در کنار فرموده‌ی علوی باید از روایتی یاد کرد که از کذب مفترع (یادکرد ناتمام سند حدیث) برحذر داشته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲/۱) و با تأکید بر اهمیت یادکرد درست اسناد، زمینه‌ساز شکل‌گیری تلاش‌های دامنه‌دار محدثان گشته است. کوشش‌هایی که پیش از مرحله‌ی بررسی متن گزارش شده، اصل انتساب آن به معصوم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بستر شکل‌گیری تحلیل‌های دقیق‌تر فقه الحدیثی را با اطمینان بخشی به مخاطبان اخبار ائمه (ع) فراهم می‌نماید. زیارت وارث را می‌توان در شمار مشهورترین نصوص گزارش شده در زیارت سید الشهداء (ع) دانست که با وجود تفاوت و تغییر اندک الفاظ و عبارات، در منابع متقدم و متأخر؛ کامل الزیارات، بشارة المصطفی، البلد الامین، المصباح، المزار مفید، الاقبال بالاعمال الحسنة، مصباح المتعجل، تهذیب الاحکام، المزار شهید اول، المزار الکبیر، بحار الانوار، زاد المعاد، الوافی، مستدرک الوسائل، سفینة البحار و مفاتیح الجنان نقل شده است. در ادامه با تمرکز بر کتب زیارات و ادعیه شیعه به‌عنوان نخستین مصادر گزارش‌کننده‌ی این زیارت‌نامه و با رویکرد ترتیب زمانی به معرفی اسناد و اعتبارسنجی آن می‌پردازیم. شایسته‌ی ذکر است که با توجه به تقدّم زمانی کامل الزیارات و استناد بیشتر منابع روایی به این مصدر در یادکرد زیارت وارث، نخست به اسناد یاد شده در دائرة المعارف دعاگونه‌ی ابن قولویه پردازیم. سپس مصدر متفاوت زیارت وارث در دیگر منابع را بازنمایی می‌کنیم و در فرجام به جمع‌بندی اسناد ذکر شده پردازیم.

۵-۱. اسناد کامل الزیارات

کامل الزیارات این زیارت را با چهار سند نقل کرده که عبارت است از:

سند اول: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي عَلِيٍّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِلْمُفْضَلِ كَمْ بَيْتِكَ وَ بَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۰۶).

وضعیت رجالی راویان نام‌برده در این سند بدین شرح است:

۱. جعفر بن محمد بن جعفر بن قولویه قمی، مکنی به ابوالقاسم، نگارنده کامل الزیارات (المزار) و کتاب‌های متعدد در ابواب فقه، استاد شیخ مفید، فقیه و از ثقات روات و علمای تشیع است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۳؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۹۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۱؛ قهپایی، ۱۳۶۵: ۳۷/۲). ایشان هم‌طبقه با شیخ



صدوق بوده و افزون بر محمد بن بابویه، می‌توان از تلکبری، حسین بن عبید الله، احمد بن عبدون و ابن عزور نام برد که از ابن قولویه به نقل روایت پرداخته‌اند (خوبی، ۱۳۷۲: ۷/۵۸۷۷).

۲. محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی (پدر ابن قولویه)، از یاران برگزیده‌ی سعد بن عبد الله است. بزرگان رجالی متقدم و متأخر شیعه، مدح و یا قدحی درباره‌ی وی نگفته‌اند؛ جز آن که ایشان را به هنگام بیان حال رجالی فرزندش یاد کرده و از اصحاب سعد دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۳؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۹۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۲۹/۹). البته باید افزود که ابن قولویه در مقدمه‌ی کامل الزیارات (المزار) بیان داشته که تنها از روایان ثقه به نقل حدیث پرداخته و این توثیق عام او شامل پدرش نیز می‌گردد. چراکه روایات قابل توجّهی را به نقل از پدر گزارش نموده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴). هم‌چنین کشی نیز در زمره‌ی بزرگان امامیه است که از محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه فراوان نقل حدیث نموده است (خوبی، ۱۳۷۲: ۱۷۵/۱۸).

۳. سعد بن عبد الله بن ابی خلف الأشعری القمی، مکّنی به ابوالقاسم، شیخ، وجیه و فقیه طائفه‌ی شیعه و از اصحاب امام هادی (ع) است. ذکر شده که او امام حسن عسکری (ع) را نیز ملاقات کرده، اما از حضرت نقل روایت نکرده است (مهاجر، ۱۳۷۸: ۸۶). وثاقت سعد بن الله مورد اتفاق رجالیان است. وی که به سال ۲۹۹ هجری قمری و یا ۳۰۱ هجری قمری وفات یافته (خوبی، ۱۳۷۲: ۷۸/۹)، ناقل روایات فراوانی است. از او تصانیف و کتاب‌های متعددی به‌جای مانده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان اشاره کرد به: کتاب الرحمة، بصائر الدرجات، المنتخبات، فرق الشیعة، الرد علی الغلاة، فضل الدعا و الذکر (حلی، ۱۳۸۱: ۲۱۸). در این میان، کتاب الرحمة را می‌توان نخستین کتاب فقهی جامع به حساب آورد که فقه عبادات را در خود جای داده است. مصدری که شیخ صدوق در مقدمه‌ی من لا یحضره الفقیه و کمال الدین و تمام النعمة، به شهرتش اشاره نموده و آن را از منابع خود معرفی نموده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۳۷/۴).

۴. محمد بن احمد جامورانی ملقب به ابوعبدالله رازی، قمی‌ها وی را تضعیف کرده، در مذهبش اختلاف کرده و روایاتش از کتاب نوادر الحکمة استثنا شده است (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴۰۱/۱۱). وی از سوی علامه حلی و ابن غضائری ضعیف شمرده شده است. هم‌چنین نجاشی و شیخ طوسی نیز هیچ مدح و قدحی درباره‌ی وی گزارش نکرده و تنها به یادکرد نام وی در باب الکنی بسنده کرده‌اند (کطان الشبوط، ۱۴۲۷: ۶۱۰).



۵. حسن بن علی بن ابی حمزة (سالم) بطائنی کوفی، به گزارش نجاشی از بزرگان واقفیه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶). کشی نیز به شهادت علی بن حسن بن فضال، بطائنی را کذاب ملعون نام برده که شایستگی نقل روایت را دارا نیست. ابن غضائری نیز بطائنی و پدرش را واقفی معرفی کرده و هر دو را تضعیف نموده است (خویی، ۱۳۷۲: ۱۷/۶).

۶. حسن بن محمد بن عبد الکریم، مکئی به ابوعلی، راوی مجهولی است که در کتب رجال پیرامون وی و شخصیت رجالی اش نظری ابراز نشده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۴۴/۳). جز آن که ابن قولویه در کامل الزیارت در سه موضع از وی نقل روایت کرده است؛ نخست زیارت وارث، دوم در باب آن که زیارت امام حسین (ع) گناهان را از میان می برد و سوم در بیان حد و مرز حرم سید الشهداء (خویی، ۱۳۷۲: ۱۳۷/۶).

۷. مفضل بن عمر جعفی، مکئی به ابو عبد الله و ابو جعفر، راوی اهل کوفه است. رجالیان در بیان حال وی هم داستان نیستند. برخی وی را فاسد المذهب، مضطرب الروایة، منتسب به خطایه و در افتاده در جریان غلو خوانده و از این رو مصنفات و روایاتش را قابل اعتنا نمی دانند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۶؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۸۷؛ حلی، ۱۳۸۱: ۴۱۲). در سوی مقابل، شیخ طوسی در الغیبة، شیخ مفید در الارشاد و کشی در بخشی از روایات، مفضل را تقه و از اصحاب خاص امام صادق (ع) تلقی کرده اند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۵۸/۲).

۸. ابومحمد جابر بن یزید جعفی، از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است. با وجود آن که بیشتر رجالیان وی را توثیق کرده اند، اما همگی بر این امر اتفاق نظر دارند که ناقلان وی در زمره ضعیف قرار دارند. ابن قولویه، علی بن ابراهیم و شیخ مفید در رساله‌ی عدویه، جملگی بر وثاقت جابر بن یزید تأکید داشته و ترحم امام صادق (ع) و شهادت ایشان بر راستی او با تعبیر «إِنَّهُ كَانَ يَصْدُق عَلَيْنَا» نشان از جایگاه جابر دارد (تفرشی، ۱۴۱۸: ۳۲۵-۳۲۶/۱). البته باید افزود به گزارش نجاشی جابر در فرجام حیات خویش دچار اختلاط و فساد عقل شده است. بر فرض اثبات این مدعا، وثاقت و روایات جابر در هنگام سلامت همچنان از اعتبار برخوردار است (بسام، ۱۴۲۶: ۲۳۹/۱-۲۴۰).

سند دوم: حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْحَطَّابِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۰۸).

تنها بخش متفاوت این سند نسبت به سند پیشین دو راوی نخست است که ابن قولویه از ایشان نقل حدیث کرده است:



۱. حکیم بن داود بن حکیم، راوی مجهولی است که رجال‌نگاران در مدح و ذم وی سخنی نگفته‌اند. جز آن که تنها ابن قولویه در مقدمه‌ی کامل‌الزیارت وی را در زمره‌ی روات موثقی یاد کرده که از ایشان به نقل حدیث پرداخته است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۲). دائرةالمعارف رجالی معجم رجال‌الحديث نیز یادی از حکیم بن داود ننموده و تنها به تعبیر «روی عن سلمة بن الخطاب، و روی عنه أبو القاسم جعفر بن محمد» بسنده کرده است (خویی، ۱۳۷۲: ۱۹۶/۷).

۲. سلمة بن الخطاب أبو الفضل البراوستانی الازدورقانی، راوی با اصالت ایرانی، اهل ری و نگارنده‌ی تصانیف متعددی است که از سوی نجاشی، ابن غضائری و علامه حلی تضعیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۷؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۶۶؛ حلی، ۱۴۰۲: ۲۲۷). با این حال، رجال شناخته‌شده‌ای همچون محمد بن الحسن الصفار، سعد بن عبدالله، حمیری و احمد بن ادريس از وی نقل حدیث کرده و تعارضی آشکار میان رأی رجالی تضعیف‌کنندگان وی و ابن قولویه وجود دارد (سیستانی، ۱۴۳۷: ۲۶۹/۱).
سند سوم: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع إِذَا أَرَدْتَ الْمَسِيرَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۲۳).

۱. أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري، راوی مجهولی است که رجال‌نگاران در مدح و ذم وی سخنی نگفته‌اند. جز آن که تنها ابن قولویه در مقدمه‌ی کامل‌الزیارت او را به علم و حدیث ستوده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰). هم‌چنین تلعبیری نیز از وی نقل حدیث کرده و عسکری نیز از وی اجازه حدیث داشته است (مامقانی، ۱۴۱۲: ۶۹/۲).

۲. محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، مکتبی به ابو جعفر از مشایخ ابن قولویه است. رجالیان سخنی در وثاقت و یا تضعیف ایشان نگفته‌اند، اما وی راوی شناخته‌شده‌ای است که در اسناد کامل‌الزیارات روایتی چند به نقل از او گزارش شده است. ایشان همچنان در طریق روایت شیخ طوسی در تهذیب، مبنی بر بی‌نیازی از غسل در زیارت امام حسین (ع) و طریق نجاشی در روایت‌گری از علی بن مهزیار واقع شده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۵: ۳۸۳۷/۷؛ خویی، ۱۴۱۳: ۲۵۷/۱۶؛ درباب نجفی، ۱۴۳۰: ۲۸۶/۱).

۳. الحسن بن علی بن مهزیار، راوی شناخته‌شده‌ی اسناد کامل‌الزیارات است که با وجود آن که از سوی رجالیان توثیق و تضعیف نشده، اما افزون بر روایت‌گری از علی بن مهزیار، در طریق شیخ طوسی واقع شده و از توثیق عام مقدمه‌ی تفسیر علی بن ابراهیم برخوردار است (خویی، ۱۴۱۳: ۶۱/۶؛ موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸: ۲۹۲/۱).



۴. علی بن مهزیار اهوازی، مکتبی به ابوالحسن، راوی شناخته شده، دارای کتاب‌های متعدد در ابواب فقه و غیره و توثیق شده از سوی رجالیان با عناوین متعدد: «ثقه، صحیح الاعتقاد، لا یطعن علیه، جلیل القدر، واسع الروایة» و موفق به نقل حدیث از امام هادی (ع) است (کشی، ۱۴۰۴: ۸۲۷-۸۲۵/۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۳؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۰).

۵. محمد بن ابی عمیر بن زیاد بن عیسی الازدی بیاع السابری، مکتبی به ابواحمد از بزرگان شیعه، صاحب تصانیف متعدد است، که وی را به اوثق الناس ستوده‌اند. ایشان از امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) نقل حدیث کرده و وثاقتش مورد اتفاق رجالیان شیعه است (کشی، ۱۴۰۴: ۵۵۴-۵۵۵/۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۶-۳۲۷؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۵).

۶. محمد بن مروان، نامی مشترک میان چهارده راوی است که از نظر وثاقت همسان نیستند (خوبی، ۱۳۷۲: ۲۲۹-۲۳۴/۱۸). اما گویا مراد از وی در حدیث فعلی همان محمد بن مروان الذهلی است که از اصحاب امام صادق (ع) و ثقات راویان شیعه است. (شیرازی زنجانی، بی تا: ۳۶-۳۷). چراکه در میان نامبردگان به محمد بن مروان تنها ذهلی است که روایتی از وی در منابع حدیثی اهل سنت گزارش نشده و از این جهت ضعفی متوجه وی نخواهد شد. هم‌چنین روایتگری محمد بن ابی عمیر از وی قرینه‌ای دیگر بر جای گرفتن ذهلی در زمره اصحاب موثق امام صادق (ع) است (شیرازی زنجانی، بی تا: ۲۱-۱۹).

۷. أبو حمزة الثمالی، همان ثابت بن دینار ابوصفیه، صاحب کتاب و از راویان برگزیده، معتمد و ثقات اهل بیت (ع) است. وی امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را ملاقات کرده است (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۳۳). امام رضا (ع) وی را لقمان زمان خود نامیده است (کشی، ۱۴۰۴: ۴۵۸/۲). ابو حمزه در سال ۱۵۰ قمری وفات یافت. از وی سه پسر به یادگار ماند که همگی در رکاب زید بن علی (ع) به شهادت رسیدند (حلی، ۱۴۰۲: ۲۹).

۵-۲. سندی دیگر «روایت صفوان / روایت مصباح المتهجد و دیگر منابع»

در میان دیگر گزارش‌های موجود از زیارت وارث، سندی را می‌توان ذکر نمود که با اسناد ابن قولویه در کامل الزیارات تفاوت دارد. سندی که تنها به یادکرد راوی نخست آن یعنی صفوان جمال به نقل از امام صادق (ع) پرداخته است. این روایت را شیخ طوسی در مصباح المتهجد (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۱۷/۲) و شهید اول در المزار (مکی، ۱۴۱۰: ۱۱۷) نقل نموده‌اند. هم‌چنین دعانگار شهیر سده‌ی اخیر محدث قمی در یکی از دو نقل خویش در مفاتیح الجنان (قمی، ۱۳۸۶: ۴۲۷) به گزارش این زیارت از صفوان پرداخته



است. در ادامه به سبب آن که این روایت تنها با یادکرد نام صفوان گزارش شده، تنها به بیان جایگاه وی در منابع رجالی می‌پردازیم.

صَفْوَانُ بْنُ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ کوفی راوی شناخته‌شده‌ی شیعی و از اصحاب امام صادق (ع) است. او صاحب کتاب و توثیق شده از سوی رجالیان متقدم همچون شیخ طوسی و نجاشی به شمار می‌آید. شیخ مفید در الارشاد وی را از شیوخ اصحاب امام صادق (ع)، ثقه و صاحب سِرِّ حضرت معرفی نموده است (خوبی، ۱۳۷۲: ۱۳۱/۱۰-۱۳۲). وی امام موسی بن جعفر (ع) را نیز درک نمود و در زمره اصحاب ایشان نیز می‌باشد. کَشِّی، ماجرای دیدار صفوان با امام کاظم (ع) و مؤاخذه‌ی حضرت درباره‌ی کرایه دادن شترهایش به هارون الرشید را گزارش داده است. گزارشی که در آن امام (ع) صفوان را نهی کرد و او با امتثال از ایشان، شترهایش را فروخت (کَشِّی، ۱۴۰۴: ۷۴۰/۲). اقدامی که صفوان را از معامله با هارون الرشید و رهاند و بیش از پیش ارادات وی به اهل بیت (ع) را اثبات نمود.

۵-۳. جمع‌بندی اسناد

همان‌گونه که بیان شد هریک از اسناد سه‌گانه‌ی ابن قولویه به سبب وجود راوی و یا راویانی مجهول و یا تضعیف شده از سوی رجالیان، از صحت سندی برخوردار نیست. امری که به اتکای مبنای رجالی توثیق عام ابن قولویه در مقدمه‌ی کامل الزیارات نسبت به سند سوم قابل رفع است. چراکه در این سند تنها سبب ضعف، وجود دو راوی مجهول به نام‌های أبو عبدالرحمن محمد بن أحمد بن الحسین العسکری و مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَانَ است که به‌صورت عام از سوی ابن قولویه توثیق شده‌اند. سند چهارم نیز به‌صورت مرسل یاد شده و تنها به نام راوی نخست حدیث اشاره کرده است و نگارنده را از داوری رجالی باز می‌دارد.

۶. نتیجه‌گیری

اعتبارسنجی سندی و تحلیل محتوای زیارت‌نامه‌های مأثور، زمینه‌ساز اطمینان خاطر و بهره‌مندی حداکثری زائران از این میراث ارزشمند می‌شود. نگاهی پیش‌رو پس از ارزیابی سندی و تحلیل محتوای زیارت وارث بر اساس گزارش‌های چندگانه‌ی آن در کتب زیارات و ادعیه شیعی به نکات ذیل دست یافت:

۱. نام‌گذاری و شهرت این زیارت به نام وارث، امری متأخر است. نامی که تأثیر پذیرفته از فراز پرتکرار «السلام علیک یا وارث...» در زیارت‌های چندگانه منتسب به سیدالشهدا (ع) است. زیارت وارث در



واقع، بخشی از زیارت مطلقه‌ی امام حسین (ع) به شمار می‌آید و در متون متقدم ادعیه و زیارات از جایگاه مستقلی برخوردار نیست.

۲. مضمون این زیارت، بازگشت به روایات، ادعیه و زیارات متعددی همچون زیارت اربعین، زیارت عاشورا دارد که درباره امام حسین (ع) در منابع حدیثی در دسترس است. مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده در این زیارت‌نامه که بستر نگاهی مستقل به آن از سوی محدثان و دعانگاران متأخر را فراهم آورده، از این قرار است: بیان اهمیت زیارت سید الشهداء، منزلت توحیدی و ضرورت نگاه موحدانه به مقوله‌ی زیارت، جایگاه ولایت و ولایت‌مداری ائمه اهل البیت در منظومه‌ی اعتقادی شیعه، تأکید بر سمت و سوی هدایتی همسان و هم‌جهت امام حسین (ع) با انبیا و اولیای دین.

۳. وجود فرد و یا افراد مجهول‌الهویه در منابع رجالی که هیچ‌ذکری از مدح و ذمّ ایشان به میان نیامده و یا تضعیف برخی روات این روایات از سوی رجالیان، اسناد زیارت وارث را از درجه‌ی صحت تنزل داده است. امری که با بازنمایی پشتوانه‌ی محتوایی زیارت وارث و تصدیق مفاهیم آن به سنجه‌ی سنت قطعی و قرآن کریم قابل چشم‌پوشی است. رویکردی شناخته شده در میان محدثان که بازگشت به سیره‌ی عقلا در پذیرش خبر واحد دارد. چه در نگاه عقلا آنچه موجب پذیرش روایت است، اطمینان به صدور خبر است و این اطمینان تنها از جانب سند حاصل نمی‌شود، بلکه اگرچه راویان خبر، از وثاقت تام برخوردار نباشند، قراین متنی مؤید صدور خبر از گوینده است. باید افزود که پشتوانه‌ی پالایش‌های متعدد منابع روایی شیعه به سبب برخوردارگی از سنت عرضه‌ی حدیث بر ائمه هدی (ع)، علو مضمون زیارت وارث و شهرت و تکرارپذیری آن در منابع روایی از دیگر قرائنی است که ضعف یاد شده را جبران می‌نماید. امری که محدثان نامداری متقدم و متأخر همچون ابن قولویه، شیخ طوسی، سید بن طاووس، کفعمی، علامه‌ی مجلسی و دعانگار نام‌آشنا و توانمند دوران اخیر شیخ عباس قمی را متقاعد نموده است که در روایت‌گری این زیارت ارزشمند درنگ ننموده‌اند و آن را به شیوه‌های گوناگون نقل کنند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶ش). الإقبال بالأعمال الحسنة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۱۱ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالجمیل.



- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات. نجف: دار المرتضوية.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۰ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- اردبیلی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). جامع الرواة. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- بسام، مرتضی. (۱۴۲۶ق). زیادة المقال من معجم الرجال. بيروت: دار المحجة البيضاء.
- پورامینی، محمد باقر. (۱۳۹۵ش). بنیاد تفکر سلفی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تفرشی، مصطفی بن حسین. (۱۴۱۸ق). نقد الرجال. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- تهرانی، ابوالفضل. (۱۳۹۹ش). شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور. تهران: اسوه.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳ش). ادب فنای مهربان. قم: اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۸ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- حسکانی، عبیدالله بن عبد الله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱ش). ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی. قم: الشریف الرضی.
- خامه گر، محمد. (۱۳۸۶ش). ساختار هندسی سوره های قرآن (پیش درآمدی بر روش های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۲ش). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- دریاب نجفی، محمود. (۱۴۳۰ق). نصوص الجرح و التعديل دراسة و تقييم. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- رحمتی، سیدمهدی، حاجی اکبری، فاطمه. (۱۴۰۳ش). «واکاوی اثربندی ادبیات کهن فارسی از آموزه های قرآنی: مطالعه موردی بینامتنیت قایوس نامه و قرآن». قرآن و روشنگری دینی. ش ۹، ۶۷-۸۴.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۳۸ق). الأئمة الاثنا عشر. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع).
- سُبکی، علی بن عبدالکافی. (۱۴۲۸ق). شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام. قاهره: دارالمصطفی.
- شبیری زنجانی، سید محمد جواد. (بی تا). مجموعه مقالات رجالی. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- شوشتری، جعفر. (۱۴۳۳ق). الخصائص الحسينية. قم: المطبعة الحیدریة.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- صرامی، سیف الله. (۱۳۹۱ش). مبانی حجیت آرای رجالی. قم: دارالحديث.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). رجال الطوسی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- _____ (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد و سلاح المتعبد. بيروت: مؤسسة فقه الشیعة.
- عاملی، سید محسن. (۱۴۲۸ق). كشف الإرتیاب فی أتباع محمد بن عبد الوهاب. قم: دار الكتاب الاسلامی.
- قمی، عباس. (۱۳۸۶ش). مفاتیح الجنان. قم: سازمان اوقاف و امور خیریه (انتشارات اسوه).
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- قهپایی، عنایة الله. (۱۳۶۴ش). مجمع الرجال. قم: اسماعیلیان.



- کتبی، ابو عمرو محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. تحقیق و تصحیح شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- كطان الشبوط، ابراهيم. (۱۴۲۷ق). دراسات في مشيخة الفقيه. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- كفعمي، ابراهيم بن علي عاملي. (۱۴۱۸ق). جنة الأمان الواقية (المصباح). قم: دار الرضى.
- كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الكافي. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مامقاني. عبدالله. (۱۴۱۲ق). تنقيح المقال في علم الرجال. نجف: مطبعة المرتضوية.
- مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار عليهم السلام. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸ش). دانش نامه امام حسين «عليه السلام» بر پایه قرآن، حديث و تاريخ. قم: دارالحدیث.
- _____ . (۱۳۸۹ش). موسوعة الإمام الحسين (عليه السلام) في الكتاب و السنة و التاريخ. قم: دارالحدیث.
- المخزومي، محمد سعيد. (۱۴۲۸ق). الإمام الحسين عليه السلام مسؤولية الأمة. بيروت: دار المحجة البيضاء.
- مكى (شهيد اول)، محمد. (۱۴۱۰ق). المزار في كيفية زيارات النبي و الأئمة عليهم السلام. قم: مدرسه امام مهدي عليه السلام.
- موسى اصفهانی، حسن. (۱۴۲۸ق). نقات الرواة. قم: مؤسسة الإمام المنتظر (عليه السلام).
- مهاجر، جعفر. (۱۳۷۸ش). رجال الاشعريين من المحدثين و اصحاب الأئمة. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
- نجاشي، ابوالعباس احمد بن علي. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشي (فهرست أسماء مصنفی الشيعة). قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۴ق). مستدرکات علم رجال الحديث. قم: مؤسسة النشر الاسلامي

